قاعده لاضرر، جلسه 7، 30/10/1398

بسم الله الرحمن الرحیم

بررسی اعتبار حدیث لاضرر

همان گونه که عرض شد بجث در دو مقام است، که مقام اول در سند و نسخه روایت، کیفیت ورود روایت بود که گذشت اما امروز بحث میکنیم که احادیث لا ضرر متواتر است یا خیر؟ یا به قول علماء آیا از اخبار قطعیه است یا از اخبار مستفیضه است، مرحوم امام این خبر را از اخبار مستفیضه می داند.

انواع تواتر

باید عرض شود که «التواتر علی ثلاثة اقسام 1\_ التواتر اللفظیة 2\_التواتر الاجمالیة 3\_التواتر المعنویة،

1\_اما التواتر اللفظی هو مالو کان لفظ واحد او الفاظ قد تکرر فی عدة اخبار»، روایت با لفظ واحد در اخبار کثیره بیاید، «و لافرق فی تحقق ذلک بین أن یکون مورد جمیعها واحد ام لا»، در یک مورد تکرار شده باشد یا در موارد باشد، مثل حدیث غدیر که حضرت فرمودند «من کنت مولاه فعلی مولاه»،

2\_اما معنای تواتر معنوی، «هو حصول النقل المتواتر علی قضیة خاصة بالفاظ مختلفة»، وقتی یک قضیة با الفاظ متواتر اشاره شده باشد اگر چه الفاظش متفاوت باشد اما متعلقش واحد است مثل شجاعت امیرالمومنین علیه السلام، گاهی شجاعت در مقابل شجعان عرب بوده که دست به شمشیر برده و آن ها را از پا در آورده، عمرو بن عبدود و مرهب خیبری در یک جا بوده و این شجاعت در جنگ های متعدد بوده است برخی گفته اند تواتر شجاعت حضرت از ناحیه جنگ با عمرو بن عبدود و مرهب بوده اما ما میگوییم که استفاده شجاعت حضرت فقط در مورد جنگها نیست بلکه قلع باب خیبر که چهل نفر یک لنگه آن را باز و بسته می کرد نیز از مصادیق شجاعت او بوده است.

پس شجاعت امیرالمومنین علیه السلام از موارد تواتر معنوی می باشد.

و اما فارق تواتر لفظی با تواتر معنوی، در متعلق تکرار می باشد که متعلق تکرار اگر لفظ باشد تواتر لفظی است و اگر متعلق تکرار معنی باشد تواتر معنوی است؛ صاحب منتهی الدرایه مرحوم آقای جزائری گفته است لازم نیست که حتما در مورد واحد تواتر باشد و تکرار در جمله بیاید بلکه اگر در موارد مختلف هم باشد تواتر لفظی است اما صاحب کفایه فرموده «قضیة حدیث لاضرر و لاضرار لم یکن من هذین القسمین»، لاضرر از تواتر لفظی و معنوی نیست بلکه از تواتر اجمالی است زیرا در شفعه، احیاء موات، ارث و موارد مختلف وارد شده است، پس مورد واحد نیست که تواتر معنوی باشد؛ اما فرق تواتر معنوی و اجمالیچیست؟ در تواتر معنوی یک مقصد دارند قهرا قطع به صدور پیدا می کند، اما در تواتر اجمالی، بعد از دیدن تعدد روایات اجمالا قطع پیدا می کنیم که احدی الروایات صدوراز امام معصوم علیه السلام دارد، من حیث المجموع قطع پیدا می کنیم که این قضیة واقعیت دارد؛

3\_تواتر اجمالی: «فالتواتر الاجمالی یکون معناه حینئذٍ هو القطع بصدور قطع بعضها فأورد علیه جزائری بأنه علی تقدیر اعتبار وحدة القضیة فی التواتر المعنوی یکون هذا التواتر اجمالیا لا معنویا»،اگر وحدت قضیه را در تواتر شرط بدانیم باید تواتر معنوی باشد نه اجمالی شود. «الا أنّ اعتبار وحدة المورد غیر معلوم»، معلوم نیست که وحدت مورد شرط باشد؛ لذا ما دو تواتر فقط داریم. «فالتواتر منحصر فی اللفظی و المعنوی فالتواتر الاجمالی الذی ذکره صاحب الکفایة اجنبی عن التواتر الاصطلاحی»، مرحوم جزائری این اشکال را کرده است.

اقول: «ولکن الحق هو ان یقال انه لا یعتبر وحدة القضیة و المورد لافی التواتر اللفظی و لا فی المعنوی بل الملاک فی الاول تکرر جملة فی طائفة من الحدیث و فی الثانی هو الاشارة الی جهة مستفادة من عدة موارد تفید ذلک ولو فی وقایع متعددة و ازید من واحدة من الروایات بحیث قیقطع بصدورها و هذا بخلاف التواتر الاجمالی حیث انه یشیر الی موضوع واحد الا انه لم یقطع بصحة صدور کل واحدة منها بل یقطع بصدور واحدة منها هذا هو المراد من کلام صاحب الکفایة

اقول: لکنه مخدوش بانه لو سلمنا عدم تواتر جملة « لا ضرر و لا ضرار» ای لولم یکن هذه الجملة بنفسها متواترة فلااقل من التواتر المعنوی» یعنی اگر ما قبول هم کنیم که تواتر لفظی در این حدیث نیست لکن قطعا تواتر معنوی وجود دارد. «لأجل اشارة الیه فی عدّة کثیرة من الاخبار»، ولو در وقائع متعدد باشد، پس اگر تواتر معنوی بگیریم بهتر می باشد و تواتر اجمالی را قبول نکردیم.

پس تا اینجا سند و اعتبار روایت مشخص شد ولو بتواتر معنوی؛ همچنین ما میگوییم که طبق مبنایی که ما داریم اگر مرحوم صدوق جزما روایت را به پیامبر صلی الله علیه و آله اسناد دهد مطمئنا آن روایت صادر شده است لذا این روایت معتبر است و در اینجا اینگونه هم می باشد علاوه بر اینکه روایت موثقة زرارة نیز داریم؛ پس متفق علیه است اما مرحوم امام مستفیض بودن این روایت را بمنزلة تواتر قبول دارد؛ و از طرفی شهرت فتوی علماء داریم و به این روایت فتوی داده است هچنان که آیات قرآن نیز کمک می کند از طرفی مساعدت عقلائی نیز دارد و عقلاء وجدانا ضرر رساندن را مذموم می دانند؛

اما سوال پیش می آید که چرا این همه از لا ضرر و لاضرار بحث می کنند؟ در جواب میگوییم که علت بحث علما آن است که بدانند اگر لاضرر با عمومات و اطلاقات تعارض کرد می تواند آن ها را قید بزند یا خیر؟ در جواب خواهیم گفت که بله می تواند قید بزند انتهی ما ذکرنا فی مباحثنا.

الحمدلله رب العالمین